

رابطه سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مطالعه در نوجوانان مطالعه موردی: دبیرستان‌های تهران

زهرا سعیدی

کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران
saidi_26m@yahoo.com

نجلا حریری (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران
nadjlahariri@gmail.com

زهرا اباذری

دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، ایران
abazari391@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۰

چکیده

هدف: هدف اصلی پژوهش تعیین رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین و گرایش به مطالعه در نوجوانان دبیرستان‌های شهر تهران است.

روش: این پژوهش به روش پیمایشی تحلیلی اجرا شده است. جامعه پژوهش دانش‌آموزان مناطق مختلف آموزش و پرورش شهر تهران بود. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای در سه مرحله استفاده شد و در مرحله آخر نمونه‌گیری، ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر و والدین آنها به پرسشنامه‌های میزان گرایش به مطالعه و سبک‌های فرزندپروری بامریند شامل سه بخش سبک سهل‌گیرانه، مقتدرانه، و مستبدانه پاسخ دادند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک‌های فرزندپروری و روش‌های تربیتی والدین در گرایش به مطالعه در نوجوانان نقش دارند و رابطه معنی‌داری بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و گرایش به مطالعه وجود دارد. همچنین رابطه مثبت معنی‌داری بین تحصیلات عالی والدین و سطح اقتصادی آنها با سبک فرزندپروری مقتدرانه مشاهده شد.

اصالت/ارزش: از آنجایی که خانواده و الگوی تربیتی آن نقش مهمی در شکل‌گیری عادات و رفتارهای فرزندان دارد، به نظر می‌رسد تحول در شیوه‌های فرزندپروری بتواند به‌عنوان یکی از عوامل افزایش سرانه مطالعه مطرح شود.

کلیدواژه‌ها: گرایش به مطالعه، سبک‌های فرزندپروری، دبیرستان‌های تهران.

مقدمه

امروزه در جوامع انسانی، کتاب به‌عنوان ابزاری مهم در ایجاد و استمرار موجودیت فرهنگی نقش اساسی دارد و کتاب‌خوانی و میزان گرایش آحاد جامعه به آن از عوامل اساسی رشد و حیات فرهنگی و اجتماعی به‌شمار می‌رود. این شاخص فرهنگی ضمن انتقال دانش به مخاطب، بینش او را نسبت به محیط اطراف و دنیای پیرامون خود تغییر می‌دهد (افکانه و شکوری شالدهی، ۱۳۸۹). فاصله زیاد سرانه مطالعه در کشور ایران با کشورهای پیشرفته، گویای وضعیت نامناسب مطالعه در جامعه ماست. با عنایت به این که مطالعه امری اکتسابی است، یعنی کودک و نوجوان آن را از دیگران می‌آموزد، اگر فردی در دوران کودکی گرایش به مطالعه پیدا کند؛ انتظار می‌رود این رفتار در نوجوانی هم تداوم داشته باشد (امانی، ۱۳۷۹).

خانواده اولین و اثرگذارترین بستر اجتماعی را برای رشد فرهنگی افراد فراهم می‌کند. محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عاملی است که در شکل‌گیری شخصیت افراد مؤثر است، و نیز به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی است که شالوده حیات اجتماعی محسوب می‌شود که گذشته از تکثیر نسل برای بقای نوع بشر، وظایف متعددی از قبیل تولید اقتصادی، فرهنگ‌پذیر کردن و تربیت کودک را به عهده گرفته است (شریعتمداری، ۱۳۷۲). هدف خانواده رشد و تکامل اجتماعی کودکان است و این هدف به‌صورت ابتدایی، در خانواده تحقق می‌یابد (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۳). والدین برای تربیت فرزندانشان از روش‌های مختلفی بهره می‌گیرند که مجموعه این روش‌ها سبک‌های فرزندپروری والدین را تشکیل می‌دهد. منظور از سبک‌های فرزندپروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند. در عین حال هر خانواده شیوه خاصی را تحت عنوان سبک‌های فرزندپروری در تربیت فرزندان خود به کار گرفته‌اند که متأثر از عوامل متفاوتی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است (হারدی^۱، ۱۹۹۳). روش‌هایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند، نقش اساسی در تأمین سلامت روانی و نیز انتخاب‌های آینده فرزندان آنها خواهد داشت. «سبک‌های فرزندپروری ترکیب‌هایی از رفتارهای والدین است که

1. Hardy, D.

در موقعیت‌های گوناگونی روی می‌دهند و جو فرزندپروری بادوامی را پدید می‌آورند» (برک^۱، ۱۳۸۷؛ نقل در شهامت، ثابتی و رضوانی، ۱۳۸۹).

در مورد سبک‌های فرزندپروری یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح شده، نظریه دیانا بامریند^۲ (۱۹۷۱) است. بامریند در مطالعات خود سه ویژگی را آشکار می‌سازد که روش مؤثر را از روش‌های نه‌چندان مؤثر فرزندپروری جدا می‌سازد، این سه ویژگی عبارت‌اند از پذیرش و روابط نزدیک، کنترل، و استقلال دادن. از تعامل این سه ویژگی سه سبک فرزندپروری مشخص می‌شود: (الف) فرزندپروری مقتدرانه^۳: این گونه والدین با پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می‌شوند. (ب) فرزندپروری مستبدانه^۴: این گونه والدین از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین هستند. (ج) فرزندپروری سهل‌گیرانه^۵: روش مهرورز و پذیرا را نشان داده است، این گونه والدین متوقع نیستند و کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم‌گیری کنند حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند (دیاز^۶، ۲۰۰۵؛ نقل در شهامت، ثابتی و رضوانی، ۱۳۸۹).

در متون و احادیث اسلامی نیز به شیوه تربیت فرزندان از دیدگاه معصومین^(ع) اشاره شده است. از دیدگاه اسلامی مسئولیت اصلی فرزندپروری، به عهده پدر و مادر است. آنها باید برای آموزش و تربیت فرزند، بهترین شیوه‌ها را به کار گیرند (شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۸۵). در متون اسلامی فرزندپروری فعالیت پیچیده شامل رفتارها، آموزش‌ها، تعامل‌ها و روش‌هایی است که جدا و در تعامل با یکدیگر بر رشد معنوی، عاطفی در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱). در قرآن و احادیث بر سبک فرزندپروری ویژه‌ای تأکید شده است تا فرزند به درستی و بر اساس فطرت انسانی تربیت شود که خدا به وی عطا کرده است و شخصیتش در جنبه‌های مختلف روانی، عاطفی، معنوی، فردی و اجتماعی به‌نجار رشد کند. این سبک، سبک مسئولانه نام دارد. پیامبر اکرم^(ص) در این باره می‌فرماید: «روش مناسب روشی است که بتواند شخصیت نیکو در فرزند پدید آورد؛ ویژگی‌های روانی، هیجانی و رفتاری هماهنگ با فطرت برایش فراهم سازد تا درست و عاقلانه بیندیشد؛ زندگی را شایسته تدبیر کند

1. Berk, L.
4. authoritarian

2. Baumrind, Diana
5. permissive

3. authoritative
6. Diaz

و روابط خوب و انسانی با دیگران برقرار سازد» (حر عاملی، ۱۳۶۷ نقل در پرچم و دیگران، ۱۳۹۱). در میان روش‌های فرزندپروری مطرح شده در روانشناسی، فرزندپروری مقتدرانه نزدیک‌ترین روش تربیتی به روش اسلام است؛ زیرا والدین مقتدر با فرزندان خود صمیمی رفتار می‌کنند و با ابراز محبت به فرزندان خود، رابطه خود را با فرزندان مستحکم می‌نمایند و از جهت کنترل رفتاری، محدودیت‌های واضح و مناسب با سن فرزندان برای رفتارهای او در نظر می‌گیرند (پرچم و دیگران، ۱۳۹۱).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد عوامل و روابط خانوادگی بر شکل‌گیری شخصیت فرزندان تأثیر به‌سزایی دارد. در این میان سبک‌های فرزندپروری والدین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی کودکان دارند (شریعتمداری، ۱۳۸۸). با توجه به شناسایی سبک‌های فرزندپروری فوق در بین والدین، انتظار می‌رود والدین در مناسبات خود با فرزندان خود، روش‌های متفاوت فرزندپروری را در پیش گرفته باشند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد تحقق هدف ارتقای سطح مطالعه در کشور نیاز به فراهم‌آوری شرایط زیربنایی و تغییرات اساسی در شیوه‌های تربیتی کودکان داشته باشد. تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر برخی از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری فرزندان در پژوهش‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفته است؛ از جمله می‌توان به پژوهش‌های کریدو^۱ و دیگران (۲۰۰۲)، اسلیکر^۲ و دیگران (۱۹۹۸) و دیویدز^۳ (۲۰۱۶) در تأثیر سبک‌های فرزندپروری در حوزه رفتار اشاره کرد. همچنین پژوهش‌هایی در مورد تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر فعالیت‌های فیزیکی و تغذیه سالم (اردوندو^۴ و دیگران، ۲۰۰۶)، سلامت روان (خیا و کیان^۵، ۲۰۰۱)، مصرف مواد مخدر و الکل (چاکت^۶ و دیگران، ۲۰۰۸)، استراتژی‌های موفقیت (اونولا^۷ و دیگران، ۲۰۰۰)، احترام به خود، افسردگی و رضایت از زندگی (میلوسکی^۸، ۲۰۰۷)، خشونت (گائو^۹ و دیگران (۲۰۱۵) مشکلات روان‌شناختی (سن مارتین^{۱۰} و دیگران، ۲۰۱۶)، توانایی حل مسأله (کائور و گرا^{۱۱}، ۲۰۱۶)، هویت (الظفری و هاردی^{۱۲}، ۲۰۱۶)، مهارت‌های اجتماعی (بارتلمیو^{۱۳} و دیگران، ۲۰۱۶) و حتی عادت‌های تغذیه و اضافه وزن (کاکینامای^{۱۴} و دیگران، ۲۰۱۵) انجام شده است. این

1. Querido

5. Xia & Qian

9. Gao

13. Bartholomeu

2. Slicker

6. Choquet

10. San Martín

14. Kakinami

3. Davids

7. Aunola

11. Kaur & Gera

4. Arredondo

8. Milevsky

12. Aldhafri & Al-Harthy

پژوهش‌ها به اثرات ژرف و بنیادین شیوه‌های پرورش فرزندان بر شکل‌گیری ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی و عادات دوران بزرگسالی آنها اشاره دارند. سؤالی که با مرور پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌های مختلف مطرح می‌شود این است که آیا سبک‌های فرزندپروری می‌تواند در گرایش یا عدم گرایش نوجوانان به مطالعه نیز نقش داشته باشد. از آنجایی که تاکنون پژوهشی درباره تأثیر این سبک‌ها بر گرایش نوجوانان به مطالعه صورت نگرفته است. این پژوهش با هدف بررسی رابطه میان سبک‌های متفاوت فرزندپروری و گرایش نوجوانان به مطالعه انجام گردید. بدیهی است نتایج پژوهش حاضر می‌تواند اطلاعات زمینه‌ای لازم را در مورد رابطه این دو متغیر فراهم نماید و به تبع آن در مورد برنامه‌ریزی‌های آموزشی آینده برای خانواده‌ها، و نهادینه کردن روش‌های مناسب فرزندپروری در مسیر افزایش تغییرات مثبت فرهنگی و اجتماعی از جمله سرانته مطالعه در کشور اشارات ضمنی سودمندی داشته باشد. در این پژوهش فرضیه‌های زیر به آزمون گذاشته شده است:

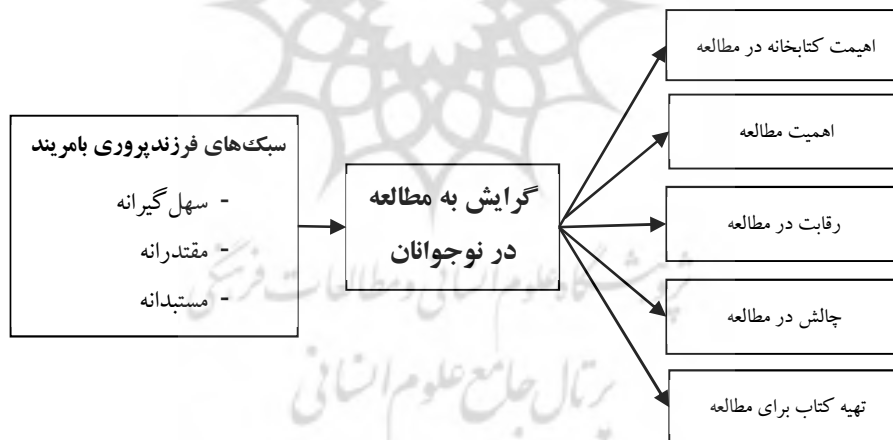
۱. بین سبک‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه) و گرایش نوجوانان به مطالعه رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۲. سبک‌های فرزندپروری با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی والدین رابطه معنی‌داری دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش پیمایشی تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران هستند. با توجه به کثرت جامعه پژوهش نمونه‌ای به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد. به این ترتیب که ابتدا به صورت تصادفی پنج منطقه ۲، ۵، ۶، ۱۳ و ۱۴ از میان مناطق مختلف آموزش و پرورش شهر تهران و سپس ده مدرسه (دخترانه و پسرانه) از میان مدارس مناطق فوق انتخاب شد. با توجه به کثرت تعداد دانش‌آموزان ابتدا نمونه‌ای به تعداد ۳۸۴ نفر با توجه به جدول کرجسی و مورگان انتخاب شد؛ اما به دلیل اینکه پرسشنامه‌ها باید توسط دانش‌آموزان و یکی از والدین آنها تکمیل می‌شد، جلب همکاری دانش‌آموزان و به‌ویژه والدین آنها علی‌رغم تلاش‌های پژوهشگر و مراجعات مکرر به دبیرستان‌ها با دشواری‌های زیادی روبه‌رو شد و در نهایت از بین ۳۸۴ نفر حجم نمونه، پژوهشگر موفق به جلب همکاری ۲۰۰ دانش‌آموز به همراه والدینشان شد که این نیز از طریق مراجعات مکرر به دبیرستان‌ها و

درب منازل دانش آموزان امکان‌پذیر گردید. برای هر یک از متغیرهای سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مطالعه از پرسشنامه‌های جداگانه‌ای استفاده شده است. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات، پس از انتخاب مدارس و دانش آموزان، پرسشنامه گرایش به مطالعه (محقق‌ساخته) و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۱) در اختیار دانش آموزان و والدین آنها قرار داده شد تا پرسشنامه گرایش به مطالعه توسط دانش آموزان و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری توسط والدین آنها تکمیل شود.

در پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند سه سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، استبدادی و مقتدرانه در قالب ۳۰ گویه بر اساس مقیاس لیکرت در پنج طیف کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم، تقریباً مخالفم، و کاملاً مخالفم مورد سنجش قرار گرفته است. گرایش به مطالعه با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته در قالب ۳۲ سؤال و در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای و در ابعاد اهمیت کتابخانه در مطالعه، اهمیت مطالعه، رقابت در مطالعه، چالش در مطالعه، و تهیه کتاب برای مطالعه سنجیده شد. مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

اعتبار پرسشنامه گرایش به مطالعه با استفاده از نظرات متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی تأیید شد. برای سنجش پایایی پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. آلفای کرونباخ پرسشنامه‌ها

پرسشنامه	تعداد نمونه	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
گرایش به مطالعه	۲۰۰	۳۲	۰٫۹۱
سبک سهل‌گیرانه	۲۰۰	۹	۰٫۷۳
سبک مقتدرانه	۲۰۰	۱۰	۰٫۸۰
سبک مستبدانه	۲۰۰	۱۱	۰٫۷۳

داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ مورد تحلیل قرار گرفت. آزمون‌های آماری مورد استفاده شامل ضریب همبستگی اسپیرمن و آزمون t بود.

یافته‌ها

• سبک‌های فرزندپروری والدین دانش‌آموزان دبیرستانی تهران

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی سبک‌های فرزندپروری والدین دانش‌آموزان

متغیرها	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین
سبک	پسر	۱۰۰	۲٫۸۲	۰٫۴۷۰	۱٫۵۰	۳٫۸۰
سهل‌گیرانه	دختر	۱۰۰	۲٫۷۰	۰٫۵۴۳	۱٫۶۰	۴٫۰
سبک مستبدانه	پسر	۱۰۰	۳٫۱۳	۰٫۵۷۷	۱٫۸۰	۴٫۵۰
	دختر	۱۰۰	۲٫۸۷	۰٫۶۱۹	۱٫۵۰	۴٫۶۰
سبک مقتدرانه	پسر	۱۰۰	۳٫۸۳	۰٫۶۱۶	۲٫۵۰	۵٫۰
	دختر	۱۰۰	۴٫۱۸	۰٫۵۳۳	۲٫۸۰	۵٫۰

جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین استفاده والدین از سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه برای دخترها و پسرها تقریباً نزدیک به هم و کم‌تر از حد متوسط است. (لازم به توضیح است که میانگین می‌توانست عددی بین ۱ تا ۵ باشد و حد متوسط آن عدد ۳ محسوب می‌شود) و در سبک فرزندپروری مستبدانه مقدار میانگین در والدین دانش‌آموزان پسر بالاتر از حد متوسط و

در عین حال بیشتر از میانگین در دانش‌آموزان دختر است. و در نهایت در سبک فرزندپروری مقتدرانه مقدار میانگین برای والدین دانش‌آموزان بالاتر از حد متوسط است و در عین حال میانگین این سبک برای والدین دانش‌آموزان پسر کمتر از میانگین برای والدین دانش‌آموزان دختر است.

• میزان گرایش دانش‌آموزان دبیرستانی تهران به مطالعه

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی زیرمقیاس‌های گرایش به مطالعه در دانش‌آموزان

متغیرها	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین
اهمیت کتابخانه در مطالعه	پسر	۱۰۰	۳٫۱۷	۰٫۸۰۲	۱٫۰	۴٫۸۰
	دختر	۱۰۰	۳٫۲۹	۰٫۸۱۵	۱٫۶۰	۵٫۰
اهمیت مطالعه	پسر	۱۰۰	۳٫۰۶	۰٫۵۷۱	۱٫۳۳	۴٫۴۲
	دختر	۱۰۰	۳٫۴۰	۰٫۶۴۹	۱٫۸۳	۴٫۹۲
رقابت در مطالعه	پسر	۱۰۰	۳٫۰۸	۰٫۹۳۱	۱٫۲۰	۴٫۶۰
	دختر	۱۰۰	۳٫۳۹	۰٫۹۹۷	۱٫۰	۵٫۰
چالش در مطالعه	پسر	۱۰۰	۲٫۲۲	۰٫۴۳۷	۱٫۰	۳٫۱۷
	دختر	۱۰۰	۳٫۳۸	۰٫۵۳۳	۱٫۳۳	۳٫۳۳
تهیه کتاب برای مطالعه	پسر	۱۰۰	۲٫۷۱	۰٫۷۰۴	۱٫۰	۴٫۵۰
	دختر	۱۰۰	۲٫۸۰	۰٫۸۰۳	۱٫۰	۴٫۶۷
گرایش به مطالعه (کل)	پسر	۱۰۰	۳٫۰۵	۰٫۵۴۶	۱٫۵۶	۴٫۳۸
	دختر	۱۰۰	۳٫۲۹	۰٫۶۵۹	۱٫۸۴	۴٫۸۱

چنانکه در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در همه زیرمقیاس‌ها و همین‌طور در نمره کل گرایش به مطالعه میانگین برای دانش‌آموزان دختر بیش از میانگین برای دانش‌آموزان پسر است که بالاتر بودن گرایش به مطالعه در بین دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش‌آموزان پسر را نشان می‌دهد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین سبک‌های متفاوت فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه) و گرایش نوجوانان به مطالعه رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۴. ضریب همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری والدین و گرایش به مطالعه دانش‌آموزان

سبک مقتدرانه	سبک مستبدانه	سبک سهل‌گیرانه	ضریب همبستگی پیرسون	گرایش به مطالعه
۰٫۲۳۵	-۰٫۰۷۸	۰٫۰۴۳	معنی‌داری	
۰٫۰۰۱	۰٫۲۷۱	۰٫۵۴۳	تعداد	
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰		

جدول ۴ ضریب همبستگی پیرسون بین سبک‌های فرزندپروری والدین و میزان گرایش به مطالعه دانش‌آموزان را در نوجوانان نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی پیرسون بین گرایش به مطالعه و سبک فرزندپروری مقتدرانه برابر ۰٫۲۳۵ بوده و در سطح $P_{value} < ۰٫۰۵$ معنی‌دار می‌باشد؛ لذا برای این سبک فرزندپروری فرض صفر رد و فرض پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین گرایش به مطالعه و سبک فرزندپروری مقتدرانه پذیرفته می‌شود. این یعنی بین سبک مقتدرانه و گرایش به مطالعه رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد که با افزایش میزان سبک فرزندپروری مقتدرانه، میزان گرایش به مطالعه هم در نوجوانان افزایش می‌یابد. بر اساس سایر داده‌های جدول ۴ مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین گرایش به مطالعه و سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه به ترتیب برابر ۰٫۰۴۳ و -۰٫۰۷۸ بوده و در سطح $P_{value} < ۰٫۰۵$ معنی‌دار نمی‌باشند؛ لذا برای این دو سبک فرزندپروری فرض صفر پذیرفته و فرض پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مطالعه نوجوانان رد می‌شود.

فرضیه دوم: بین سبک‌های فرزندپروری با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی والدین رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۵. ضریب همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی والدین

سبک مقتدرانه	سبک مستبدانه	سبک سهل‌گیرانه		
۰٫۰۲۳	۰٫۰۷۹	-۰٫۰۶۷	ضریب همبستگی پیرسون	تفاوت سن با فرزندان
۰٫۷۴۵	۰٫۲۶۷	۰٫۳۴۶	معنی‌داری	
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	تعداد	
۰٫۲۸۹	-۰٫۱۸۲	۰٫۰۷۷	ضریب همبستگی اسپیرمن	تحصیلات
۰٫۰۰۱	۰٫۰۱۰	۰٫۲۷۷	معنی‌داری	
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	تعداد	
۰٫۱۷۷	-۰٫۱۹۱	-۰٫۰۴۹	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح اقتصادی
۰٫۰۱۲	۰٫۰۰۷	۰٫۴۹۲	معنی‌داری	
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	تعداد	

برای بررسی وجود یا عدم وجود رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از ضریب همبستگی اسپیرمن در دو ویژگی تحصیلات و سطح اقتصادی استفاده شد (این دو متغیر به صورت رتبه‌ای هستند). جدول ۵ ضریب همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی والدین را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین ویژگی تفاوت سن والدین با فرزند و سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب برابر $-۰٫۰۶۷$ ، $۰٫۰۷۹$ و $۰٫۰۲۳$ بوده و در سطح $P_{\text{value}} < ۰٫۰۵$ معنی‌دار نیست، لذا برای این ویژگی جمعیت‌شناختی فرض صفر پذیرفته و فرض پژوهش رد می‌شود.

ضریب همبستگی اسپیرمن بین تحصیلات و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب برابر $-۰٫۱۸۲$ و $۰٫۲۸۹$ بوده و در سطح $P < ۰٫۰۵$ معنی‌دار است، لذا برای این ویژگی

جمعیت‌شناختی فرض صفر رد و فرض پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین تحصیلات والدین و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه پذیرفته می‌شود. بنابراین رابطه بین تحصیلات والدین و سبک مستبدانه معکوس و معنی‌دار و رابطه بین تحصیلات و سبک مقتدرانه مثبت و معنی‌دار است. همچنین ضریب همبستگی اسپیرمن بین تحصیلات والدین و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه برابر ۰/۰۷۷ بوده و در سطح $P_{\text{value}} < 0/05$ معنی‌دار نیست، لذا برای این دو متغیر فرض صفر پذیرفته و فرض پژوهش رد می‌شود.

بر اساس سایر داده‌های جدول ۵ ضریب همبستگی اسپیرمن بین سطح اقتصادی و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب برابر ۰/۱۹۱- و ۰/۱۷۷ بوده و در سطح $P_{\text{value}} < 0/05$ معنی‌دار است، لذا برای این ویژگی جمعیت‌شناختی فرض صفر رد و فرض پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین سطح اقتصادی والدین و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه پذیرفته می‌شود. بنابراین رابطه بین سطح اقتصادی والدین و سبک مستبدانه معکوس و معنی‌دار و رابطه بین سطح اقتصادی و سبک مقتدرانه مثبت و معنی‌دار است. ضریب همبستگی اسپیرمن بین سطح اقتصادی والدین و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه برابر ۰/۰۴۹- بوده و در سطح $P_{\text{value}} < 0/05$ معنی‌دار نمی‌باشد، لذا برای این دو متغیر فرض صفر پذیرفته و فرض پژوهش رد می‌شود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه با میانگین ۴/۰۱ به‌طور نسبی بیشترین مقدار را در بین والدین دانش‌آموزان دبیرستانی تهران دارد و به ترتیب سبک مستبدانه دارای میانگین ۳ و سبک سهل‌گیرانه دارای میانگین ۲/۷۶ است. این بدین معناست که سبک فرزندپروری والدین این دانش‌آموزان بیشتر مقتدرانه و کمتر سهل‌گیرانه است. این یافته‌ها تا حدی مورد انتظار بود زیرا یافته‌های پژوهش پرچم و دیگران (۱۳۹۱) نشان داد که در میان روش‌های فرزندپروری مطرح شده در روانشناسی، فرزندپروری مقتدرانه نزدیک‌ترین روش تربیتی به روش اسلام است. اگر چه این روش تربیتی نزدیک‌ترین روش به روش تربیتی اسلام است، تفاوت‌هایی بین این دو روش هست؛ چنانکه فرزندپروری مقتدرانه با تقاضاها و پاسخ‌دهی زیاد والدین مشخص می‌شود در حالی که در روش تربیتی اسلام تقاضاها و

پاسخ‌دهی بر محور تعادل است. در روش مسئولانه رفتارها و تعامل والدین با فرزندان بر ضوابط شرعی مبتنی است و والدین از دستورهای الهی تخطی نمی‌کنند. در مورد مؤلفه‌های سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه یافته‌ها نشان داد که از بین مؤلفه‌هایی که بیانگر این بعد بودند، مؤلفه «والدین باید به بچه‌ها اجازه دهند تا در کارهای خودشان تصمیم‌گیرنده باشند» که مؤلفه ۱۷ از پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری است با کسب میانگین ۳/۸۳ بالاترین میانگین را در میان گویه‌های این سبک دارد. در مورد مؤلفه‌های سبک فرزندپروری مقتدرانه یافته‌ها نشان داد که از بین ۱۰ مؤلفه‌ای که بیانگر این بعد بودند، مؤلفه «هرگاه بچه‌ها بر خلاف میل والدین رفتار کردند، والدین به‌جای تنبیه آنها را راهنمایی کنند»، که مؤلفه ۱۱ از پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری است با کسب میانگین ۴/۱۲ بالاترین میانگین را در میان گویه‌های این سبک دارد. در پاسخ به سؤال دوم پژوهش مبنی بر میزان گرایش دانش‌آموزان دبیرستانی تهران به مطالعه، یافته‌ها نشان داد که میزان گرایش به مطالعه با میانگین ۳/۱۷ در مقیاس لیکرت در دانش‌آموزان دبیرستانی تهران به‌طور نسبی در سطح متوسط رو به بالایی قرار دارد. میانگین گرایش به مطالعه در دانش‌آموزان دختر بیشتر (۳/۲۹) از مقدار آن برای دانش‌آموزان پسر (۳/۰۵) است و این می‌تواند نشان‌دهنده بالاتر بودن گرایش به مطالعه دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش‌آموزان پسر باشد. همچنین این مطلب در مورد زیرمقیاس‌های گرایش به مطالعه نیز صادق است؛ به‌طوری که میانگین دانش‌آموزان دختر در هر ۵ زیرمقیاس گرایش به مطالعه از دانش‌آموزان پسر بیشتر است.

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که میانگین سبک فرزندپروری والدین دانش‌آموزان دبیرستانی تهران بر حسب جنسیت در مؤلفه‌های سبک مقتدرانه و مستبدانه دارای تفاوت معنی‌دار است، به‌طوری که دانش‌آموزان دختر برای سبک مقتدرانه بیشترین میانگین را نسبت به دانش‌آموزان پسر دارند و دانش‌آموزان پسر بیشترین میانگین را برای سبک مستبدانه نشان دادند. در این راستا درویزه و آزادی (۱۳۸۹) نیز در پژوهشی بیان نمود که شیوه فرزندپروری به‌گونه‌ای که توقعات و انتظارات والدین بالا باشد با کم‌رویی دختران رابطه مستقیم و شیوه فرزندپروری محبت‌آمیز با کم‌رویی دختران رابطه عکس دارد، همچنین هرچه میزان استقلال در امور شخصی فرزندان بیشتر باشد کم‌رویی دختران کاهش می‌یابد.

نتایج این پژوهش حاکی از وجود رابطه سبک‌های فرزندپروری با میزان مطالعه در بین دانش‌آموزان بود. به این معنی که هر چه بیشتر والدین دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه باشند، میزان گرایش به مطالعه هم در دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. تحلیل داده‌ها نشان داد که از بین سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه با متغیر گرایش به مطالعه دارای همبستگی در جهت پیش‌بینی شده نبودند، بدین معنی که بین سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه با متغیر گرایش به مطالعه رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ با این حال همبستگی بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و متغیر گرایش به مطالعه در جهت پیش‌بینی شده وجود داشت و از نظر آماری رابطه معنی‌دار و مثبت بود. در این راستا بیرامی (۱۳۸۹) نشان داد پیشرفت تحصیلی و گرایش به مطالعه با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه مثبت معنی‌دار دارد که بر اساس این نتایج می‌توان استنباط نمود که شیوه تربیتی مقتدرانه یک پیش‌بینی‌کننده قوی برای متغیر پیشرفت تحصیلی و گرایش به مطالعه است. دورکین (۱۹۹۵) با اشاره به دلایل رابطه سبک فرزندپروری مقتدرانه با نتایج مثبت تربیتی، بیان می‌کند که والدین مقتدر با تأمین امنیت عاطفی برای فرزندان خود موجب ایجاد حس آرامش و استقلال در آنها می‌شوند. این گروه از والدین توضیحات لازم در مورد اعمال خود را برای فرزندان‌شان ارایه می‌دهند و این امر به ادراک فرزندان از اهداف و ارزش‌های والدین کمک می‌کند.

بیرامی (۱۳۸۹) همچنین همسو با یافته‌های این پژوهش بیان کرد که بین سبک‌های فرزندپروری و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود دارد. پژوهش صمدی (۱۳۸۶) نیز نشان داد که بین روش‌های تربیتی و سبک‌های فرزندپروری والدین و راهبردهای خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود دارد. ماهاسنه^۱ (۲۰۱۳) نیز دریافت که سبک فرزندپروری مقتدرانه اثر مستقیم و معنی‌دار بر موفقیت تحصیلی دارد و اهداف پیشرفت و خودکارآمدی تحصیلی نقش واسطه‌ای میان سبک فرزندپروری مقتدرانه و آسان‌گیر با موفقیت تحصیلی دارند. پژوهش شهامت (۱۳۸۹) با موضوع رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه نیز نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه می‌تواند پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای سطوح پایین‌تر طرح‌واره ناسازگار طرد/بی‌ثباتی در فرزندان باشد. صالح و

1. Mahasneh

کازاریان^۱ (۲۰۱۵) نیز نشان دادند در بین جوانان لبنانی، سبک مقتدرانه والدین رابطه مثبتی با سلامت روان دارد. در پژوهش هرزوک^۲ و دیگران (۲۰۱۵) نیز رابطه مثبت عواطف و هیجانات مثبت فرزندان با سبک فرزندپروری مقتدرانه والدین تأیید گردید. علاوه بر مطالعات فوق، پژوهش‌های دیگری نیز رابطه سبک‌های فرزندپروری با متغیرهای رفتاری و روان‌شناختی را نشان داده‌اند که به برخی از آنها در مقدمه پژوهش حاضر اشاره گردید.

با توجه به یافته‌های پژوهش، از بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی والدین، بررسی همبستگی تحصیلات والدین با سبک‌های فرزندپروری نشان داد که بین تحصیلات والدین و سبک مستبدانه رابطه معکوس و معنی‌دار و بین تحصیلات والدین و سبک مقتدرانه رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد؛ بدین معنی که هر چه والدین دارای تحصیلات عالی باشند کمتر به سبک فرزندپروری مستبدانه روی می‌آورند و بیشتر دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه هستند؛ اگرچه تحقیقات اندکی این فرضیه را تأیید نموده‌اند. همچنین نتایج نشان داد بین وضعیت اقتصادی و سبک‌های مستبدانه و مقتدرانه رابطه معنی‌دار وجود دارد، به طوری که هر چه سطح اقتصادی افزایش یابد والدین کمتر به سبک مستبدانه روی می‌آورند و بیشتر دارای سبک مقتدرانه هستند. در راستای تأیید این یافته‌ها، احدی (۱۳۸۸) بیان می‌کند که والدین متعلق به طبقه اقتصادی-اجتماعی پایین بیشتر محدودکننده و مستبد هستند و اغلب بر احترام و اطاعت، پاکیزگی، ظرافت و پرهیز از مشکل‌تراشی که نمونه‌ای از رفتارهای سبک مستبدانه است گرایش دارند؛ در حالی که والدین با طبقه اقتصادی-اجتماعی بالاتر بیشتر بر شادمانی، حس کنجکاو، استقلال، خلاقیت و بلندهمتی که بیشتر در سبک مقتدرانه دیده می‌شود تأکید دارند. با توجه به یافته‌های پژوهش، همبستگی معنی‌داری بین تفاوت سنی والدین با فرزند و سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه وجود ندارد. همچنین بین تحصیلات والدین و سطح اقتصادی و سبک سهل‌گیرانه رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. تحلیل یافته‌ها نشان داد که میزان گرایش به مطالعه دانش‌آموزان دختر بیشتر از دانش‌آموزان پسر است. همسو با این یافته‌ها بحرانی (۱۳۸۹) بیان کرد که گرایش دختران هم از لحاظ مطالعه درسی و هم مطالعه غیردرسی بیشتر از پسران بوده است.

1. Kazarian

2. Herzog

در نتیجه‌گیری کلی از یافته‌های پژوهش حاضر مشاهده می‌شود که علاوه بر رابطه معنی‌دار بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و گرایش به مطالعه، رابطه مثبت معنی‌داری بین تحصیلات عالی والدین و سطح اقتصادی آنها با سبک فرزندپروری مقتدرانه وجود دارد. از آن جایی که خانواده و الگوی تربیتی آن نقش مهمی در شکل‌گیری الگوهای رفتاری و عادات مثبت و منفی در کودکان دارد، تلاش برای دستیابی به راهبردهایی جهت رشد و تکامل اجتماعی کودکان و برنامه‌هایی برای آموزش روش‌های صحیح فرزندپروری به والدین ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به یافته‌های پژوهش انتظار می‌رود تحول در شیوه‌های فرزندپروری بتواند به‌عنوان یکی از عوامل افزایش سرانه مطالعه مطرح شود. آموزش رفتارهای مناسب فرزندپروری برای خانواده‌ها و اجتناب از سبک مستبدانه و سبک سهل‌گیر از پیشنهادها پژوهش حاضر است. آموزش سبک اسلامی فرزندپروری برای خانواده‌ها می‌تواند گامی در مسیر سلامت روابط فرزندان و والدین و گرایش فرزندان به رفتارهای مثبت اجتماعی و فرهنگی از جمله مطالعه باشد.

پیشنهادها

- از آن جایی که سبک‌های فرزندپروری والدین با گرایش به مطالعه دانش‌آموزان رابطه دارد، لذا آموزش و آگاه‌سازی والدین درباره شیوه‌های صحیح تربیتی فرزندان می‌تواند به‌عنوان یک گام زیربنایی مسیر ایجاد تغییرات مثبت اجتماعی مانند افزایش سرانه مطالعه در بین جوانان را هموارتر سازد.
- به نظر می‌رسد حل تعارضات و مشکلات ارتباطی میان فرزندان و والدین بتواند نقش مثبتی در بهبود شیوه‌های فرزندپروری والدین داشته باشد، لذا تشکیل جلسات مشاوره در مدارس با شرکت متخصصان مشاوره و روان‌شناسی، اقدام سودمندی در جهت پایه‌گذاری پرورش صحیح فرزندان و در نتیجه زمینه‌ساز ایجاد عادت‌های مثبت مانند گرایش به مطالعه باشد.
- با توجه به ارتباط مستمر معلمان با دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌شود معلمان مدارس در زمینه مشکلات دانش‌آموزان در ارتباط با والدینشان هوشیار بوده و در صورت مشاهده شرایط نامساعد، با مسئولان مدرسه در مورد رفع مشکلات ارتباطی دانش‌آموزان و والدین آنها همکاری نمایند.

منابع

- احدی، شکوه‌السادات (۱۳۸۰). روانشناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک). (چاپ ۱۳). تهران: انتشارات پردیس.
- افکنانه، صغری و شکوری شالدهی، عباس (۱۳۸۹). بررسی راه‌های ترغیب دانشجویان به مطالعه کتاب‌های غیردرسی. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۱ (۲)، ۷۲-۸۲.
- امانی، غفور (۱۳۷۹). رابطه‌ی مطالعه در دوران کودکی-نوجوانی با مطالعه در دوران بزرگسالی. تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، ۳۲ (۳۴)، ۱۵-۴۶.
- بحرانی، محمود (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر میزان کتاب‌خوانی و مطالعه آزاد دانش‌آموزان متوسطه در استان فارس. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۷ (۳ و ۴)، ۸۵-۱۰۲.
- بیرامی، منصور (۱۳۸۹). ارتباط شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان راهنمایی مدارس شهر ایلخچی. فصلنامه علوم تربیتی، ۳ (۱۰)، ۷-۲۱.
- پرچم، اعظم؛ فاتحی‌زاده، مریم و اله‌یاری، حمیده (۱۳۹۱). مقایسه سبک‌های فرزندپروری با مرند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۰ (۱۴)، ۱۱۵-۱۳۸.
- درویزه، زهرا و آزادی، شهدخت (۱۳۸۹). بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌ی فرزندپروری والدین با کم‌رویی دختران دبیرستان‌های شهر نورآباد ممسنی. زن و جامعه، ۱ (۲)، ۴۷-۶۳.
- زرین‌آبادی، زرین (۱۳۹۰). بررسی رابطه هوش معنوی و تعهد شغلی در کتابداران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۸۸). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). روانشناسی رشد. تهران: انتشارات اطلاعات.
- شکوهی یکتا، محسن؛ پرند، اکرم و فقیهی، علی نقی (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری. تربیت اسلامی، ۲ (۳)، ۱۱۵-۱۴۰.
- شهاخت، فاطمه؛ ثابتی، علیرضا و رضوانی، سمانه (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه. مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۱۱ (۲)، ۲۳۹-۲۵۴.
- صمدی، معصومه (۱۳۸۶). تأثیر روش‌های تربیتی و خودتنظیمی تحصیلی بر پیشرفت تحصیلی. روش‌های تربیتی و پیشرفت تحصیلی، ۹ (۱)، ۴۰-۴۸.

References

- Aldhafri, S. & Al-Harthy, I. (2016). Undergraduate Omani Students' Identity and Perceptions of Parenting Styles. *Review of European Studies*, 8 (2), 114-123.
- Arredondo, E. M.; Elder, J. P.; Ayala, G. X.; Campbell, N.; Baquero, B., & Duerksen, S. (2006). Is Parenting Style Related to Children's Healthy Eating and Physical Activity in Latino Families?. *Health education research*, 21 (6), 862-871.

- Aunola, K.; Stattin, H., & Nurmi, J. E. (2000). Parenting Styles and Adolescents' Achievement Strategies. *Journal of adolescence*, 23 (2), 205-222.
- Bartholomeu, D.; Montiel, J. M.; Fiamenghi, G. A. & Machado, A. A. (2016). Predictive Power of Parenting Styles on Children's Social Skills. *SAGE Open*, 6 (2), 1-7.
- Baumrind, D. (1971). Current Patterns of Parental Authority. *Developmental Psychology Monographs*, 4 (1, Part 2), 1-103.
- Choquet, M.; Hassler, C.; Morin, D.; Falissard, B. & Chau, N. (2008). Perceived parenting styles and Tobacco, Alcohol and Cannabis Use among French Adolescents: Gender and Family Structure Differentials. *Alcohol and Alcoholism*, 43 (1), 73-80.
- Davids, E. L. (2016). *A Model Examining the Relationship between Parenting Styles and Decision Making Styles on Healthy Lifestyle Behavior of Adolescents in the Rural Western Cape*. PhD Thesis, University of Western Cape, Bellville suburb of Cape Town, South Africa.
- Diaz, Y. (2005). *Association between Parenting and Child Behavior Problems Among Latino Mothers and Children*. Unpublished Master Dissertation, University of Maryland, Maryland, USA.
- Durkin, K. (1995). *Developmental Social Psychology: From Infancy to Old Age*. Malden, MA.: Blackwell.
- Gao, Y.; Zhang, W. & Fung, A. L. C. (2015). The Associations between Parenting Styles and Proactive and Reactive Aggression in Hong Kong Children and Adolescents. *International journal of psychology*, 50 (6), 463-471.
- Hardy, D. F.; Pauer, T. G. & geadicke, S. (1993). Examining the Relation of Parenting to Children's Coping with Every Day Stress. *Child development*, 64 (6), 1829-1841.
- Herzog, T. K.; Hill-Chapman, C.; Hardy, T. K.; Wrighten, S. A. & El-Khabbaz, R. (2015). Trait Emotion, Emotional Regulation, and Parenting Styles. *Journal of Educational and Developmental Psychology*, 5 (2), 119-135.
- Kakinami, L.; Barnett, T. A.; Séguin, L. & Paradis, G. (2015). Parenting Style and Obesity Risk in Children. *Preventive Medicine*, 75, 18-22.
- Kaur, J. and Gera, M. (2016). Study of Problem Solving Ability of Adolescents in Relation to Parenting Styles and Resilience. *International Journal of Psychology and Counselling*, 8 (2), 8-12.
- Mahasneh, Ahmad, M. (2013). The Relationship between Parenting Styles and Adult Attachment Styles From Jordan University Students. *International Journal Of Asian Social Science*, 3 (6), 1431-1441.
- Milevsky, A.; Schlechter, M.; Netter, S. & Keehn, D. (2007). Maternal and Paternal Parenting Styles in Adolescents: Associations with Self-Esteem, Depression and Life-Satisfaction. *Journal of Child and Family Studies*, 16 (1), 39-47.
- Querido, J. G.; Warner, T. D. & Eyberg, S. M. (2002). Parenting Styles and Child Behavior in African American Families of Preschool Children. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 31 (2), 272-277.

- Saleh, A. O. A. & Kazarian, S. S. (2015). Perceived Parenting Styles and Their Relation to Basic Psychological Needs Satisfaction, Mental Health and Flourishing in a Sample of Lebanese College Youth. *The Arab Journal of Psychiatry*, 26 (2), 155 -163.
- San Martín, J. M. A.; Seguí-Durán, D.; Antón-Torre, L. & Barrera-Palacios, A. (2016). Relationship between Parenting Styles, Psychopathological Intensity and Type of Symptoms in a Adolescents Clinical Sample. *Anales de Psicología/Annals of Psychology*, 32 (2), 417-423.
- Slicker, E. K. (1998). Relationship of Parenting Style to Behavioral Adjustment in Graduating High School Seniors. *Journal of Youth and Adolescence*, 27 (3), 345-372.
- Spera, Christopher (2005). A Review of the Relationship among Parenting Practices, Parenting Styles, and Adolescent School Achievement. *Educational Psychology Review*, 17 (2), 125- 175.
- Xia, G. & Qian, M. (2001). The Relationship of Parenting Style to Self-Reported Mental Health among Two Subcultures of Chinese. *Journal of Adolescence*, 24 (2), 251-260.

به این مقاله این گونه استناد کنید:

سعیدی، زهرا؛ حریری، نجلا و ابادری، زهرا (۱۳۹۶). رابطه سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مطالعه در نوجوانان مطالعه موردی: دبیرستان‌های تهران. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۲۳ (۱)، ۳۱-۴۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Relationship between Parenting Styles and Tendency to Reading The Case of Adolescents in Tehran City High Schools

Zahra Saeedi

M. A. of KIS, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
saidi_26m@yahoo.com

Nadjla Hariri (Corresponding author)

Associate professor, Dept. of KIS, Science and Research Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran
nadjlahariri@gmail.com

Zahra Abazari

Associate professor, Dept. of KIS, Tehran Shomal Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran
abazari391@yahoo.com

Received: 28th November 2015; Accepted: 9th May 2016

Abstract

Purpose: This research aimed at the determining the relationship between styles of parenting and tendency to reading of adolescents. The case of investigation was Tehran's high schools.

Methodology: we used survey method for implementation of the research. From different Education and training regions in Tehran, 200 students have chosen, using cluster sampling method. Data collection tools were Baumrind's questionnaire for parents of the students, and a researcher-made questionnaire for students to measure the reading scale of them.

Findings: The results showed that the parenting styles have significant relationship with tendency of adolescents towards reading, as there was a significant relationship between authoritative parenting style and tendency to reading. Further, there was significant direct relationship between educational and economical level and authoritative parenting style, as the higher educational and economical level, the stronger authoritative style.

Originality/Value: this article seems valuable because it shows that permissive parenting style can't be lead to good reader children and we must reconsider in our parenting style.

Keywords: Tendency to reading, Parenting styles, High school students, Tehran.